

چالش‌گفتمان‌های سیاسی اصلاح طلب و اصولگرا در ایران (۱۳۹۶-۱۳۹۲)

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۲۸

اکرم بای^۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۲۴

بابک نادرپور^۲مسعود مطلبی^۳

چکیده

جناح‌های سیاسی با هدف کسب قدرت به وجود می‌آیند و برای تحقق آن، وارد رقابت می‌شوند و به منظور هژمونی با برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی چالش‌ها و اختلافات، تنازع قدرت را شدت می‌بخشند، طوری که برای کسب و تثبیت قدرت، با تحت تاثیر قراردادن افکار عمومی به هدف خود نزدیک می‌شوند. لذا شناخت نحوه برخورد جناح‌های سیاسی با این چالش‌ها حائز اهمیت بود. که سوال "طرح چه عناصری از سوی دو جناح اصولگرایی- محافظه کاری و اصلاح طلبی- اعتدالی از ۱۳۹۶-۱۳۹۲ به چالش‌های گفتمانی بین این دو جناح شدت بخشیده است؟" نشان داد که حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی عناصری از حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و... توسط دو جناح مطرح، موجب شدت در این چالش‌ها شده است. و تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش تحقیق مقایسه‌ای بیانگر آن بود که هر دو جناح با توجه به چالش‌ها و اختلافات گفتمانی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و... به تخریب و جبهه‌رقیب پرداخته‌اند و قادر بودند در غیریت‌سازی با بسیاری از نابرابری‌های موجود را در خود طبیعی جلوه دهند.

واژگان کلیدی: اصولگرا، اصلاح طلب، قدرت سیاسی، جناح سیاسی، چالش

^۱ دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، akrambay911@gmail.com

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

nader1642@yahoo.com

^۳ استاد یار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

جناح‌های سیاسی همواره برای توسعه و گسترش حوزه قدرت خود در رقابت و چالش با جناح رقیب هستند و مولفه‌های محوری خود را به صورت یک مجموعه در یک چارچوب ساختاربندی می‌کنند. هرگاه گفتمانی اقدام به تخریب و واسازی نشانه‌های رقیب کند ممکن است نشانه‌های چالش برانگیز را با استفاده از استراتژی برجسته‌سازی وحاشیه‌رانی مطرح می‌کند. جریان‌های سیاسی مطرح در ایران نیز اصولگرا-محافظه‌کار و اصلاح‌طلب-اعتدال‌گرا در ۱۳۹۶-۱۳۹۲ از این استراتژی جهت رقابت و غیریت‌سازی با دیگری بهره‌برده‌اند. لذا در مقاله حاضر سعی خواهد شد با استفاده از متون متناسب به هر یک از دو جناح به چالش‌های فی‌مابین این دو پرداخته شود که شناخت نظام معنایی هر یک از جناح‌های سیاسی، آشنایی با نگرش هر یک از آنها نسبت به واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی، بررسی تعارضی و یا تفاهمی بودن روابط جناح‌های سیاسی از اهداف این مقاله می‌باشد. و علاوه بر اینکه ماهیت دو گفتمان اصلاح‌طلب و اصولگرا مورد بررسی قرار می‌گیرد، زمینه برای مقایسه بهتر این دو نیز مهیا می‌شود و از لابلای این مقایسه، تفاوت‌ها و شباهت‌های واکنش آنها در برابر چالش‌ها آشکارتر می‌شود و مسیر برای نقادی هموارتر می‌گردد؛ همین امر ارزش تحقیق را بیشتر می‌کند. بنابراین، یافتن پاسخ برای سوال پژوهش می‌تواند شرایط هرچند اندک برای تئوری‌پردازی در مورد احزاب سیاسی را نیز هموار کند. لذا در این مقاله ضمن استفاده از روش مقایسه‌ای و تطبیقی از روش جمع‌آوری داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای بهره‌برده‌ایم.

مساله

در دهه‌های اخیر شاهد ظهور جناح‌های مختلف سیاسی در جمهوری اسلامی ایران بوده‌ایم. سال ۱۳۵۶ سه گفتمان اسلامی، ملی‌گرا و مارکسیستی، فرصت حضور در صحنه سیاسی پیدا کردند و سعی داشتند فضای سیاسی اجتماعی ایران را بر اساس نظم مورد دلخواه خود سروسامان دهند. در این میان، اسلام سیاسی فقاهتی توانست به صورت گفتمان مسلط خود را در عرصه سیاسی و اجتماعی تثبیت کند. از این جناح‌ها سیاسی کلان، جناح‌های گوناگونی برآمدند که هر کدام نسبت به مقتضیات داخلی و خارجی بر جنبه

خاصی از واقعیت اجتماعی ایران تاکید کردند. این آرایش گفتمانی خود از تحولات داخلی و خارجی، نحوه تماس، تعامل، تنش، چالش و یا رویکرد دولتمردان با عرصه داخلی و صحنه بین المللی و نیز چپینش تفکر مردم در ظهور هر کدام از این جناحها در مرحله تاریخی خاص متأثر بوده است. به عبارتی دو جناح مشهور به چپ و راست در درون گفتمان اسلام سیاسی توانستند با هر تحول در ساختار سیاسی حاکم (گفتمان هژمون) و تغییر دیدگاه ها به تقابل با رقیب پرداخته و با توجه به اینکه انگیزه ها و اهداف بازیگران (گفتمانها) یکی نیست، و همیشه اختلافات در جریان است به منظور کسب هژمون در فضای سیاسی کشور با برجسته سازی و حاشیه رانی، تنازع قدرت را شدت بخشند (این روند همچنان ادامه دارد). لذا درک هر جناح به شکل درست و واقع بینانه معطوف به شناخت روندها و تغییر و تحولات آن است. چنانچه در صورت گسترش دامنه اختلافات و چالشهای دو جناح حواشی و بداخلاقی های سیاسی بروز و ظهور پیدا کنند، تعادل و آرامش جوامع بهم خورده و بی ثباتی و خشونت، جامعه را فراخواهد گرفت و رقابت برای قدرت و هژمونی گفتمانها به چالشهای سیاسی-اجتماعی گسترده منجر خواهد شد. بنابراین می توان با مطالعه روندهای رخ داده و چالشهای دوجناح اصلاح طلب و اصولگرا طی سال های ۱۳۹۶-۱۳۹۲، حداقل زمینه سازی بهتری برای توضیح وضعیت فعلی آنها فراهم کرد و ملاحظه نمود که از چه سازوکارهایی برای مقابله با رقیب بهره گرفته اند. لذا سعی شده است از مطالب و محتوای مطبوعات منسوب به هر جناح به دلیل جهت مند بودن و بازنمایی واقعیات زمانه به شیوه هایی که خاص منطوق مطبوعات است استفاده شود. بالاخص با انعکاس نظرات نمایندگان در راس هر جناح، می تواند بهترین منبع برای شناخت عملکرد هر یک در برخورد با چالشهای مختلف باشد. در حوزه بررسی جناحها و گفتمانهای سیاسی ایران کتابها و مقالات بیشماری چاپ و منتشر شده است از جمله «جریان شناسی سیاسی در ایران» علی دارابی (۱۳۹۵)، «گفتمانهای سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» محمود پورگرگی (۱۳۹۳)، «نظریه و روش در تحلیل گفتمان» هادی جلیلی (۱۳۸۹) و «اسلام سیاسی در ایران» محمد علی حسینی زاده (۱۳۸۶). لیکن در منابع مذکور به مقایسه جناحهای سیاسی بالاخص در فاصله سالهای ۹۶-۹۲ پرداخته نشده است.

لازم به توضیح است که عبارت «گفتمان» که در این مقاله به کار رفته است براساس تعریف های فلسفی که پیرامون آن در میان اندیشمندان علوم اجتماعی مطرح شده، نیست؛ بلکه تعریفی است که در ادبیات سیاسی ایران شکل گرفته است. این تعریف از اواسط دهه هفتاد خورشیدی با پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری فضای سیاسی ایران شکل گرفت و ماهیتی متفاوت با مفهوم دانشگاهی و علمی خود دارد. در ادبیات سیاسی ایران گفتمان دلالت بر جناح فکری و سیاسی فراتر از احزاب و تشکل ها دارد که براساس اصول محدود و مشخصی نظم و ترتیب یافته اند. گفتمان در ادبیات سیاسی ایران بیان کننده دیدگاه های کلان سیاسی عملی و نظری است که از قضا اصول محدودشان نیز به صورت متصلب و مشخص نیست بلکه قابل تغییر و تفسیر گوناگون است. با چنین دیدگاهی که در ایران حاکم است، در دهه شصت دو گفتمان چپ سنتی و راست سنتی مطرح بود. در تعریف ایرانی که از گفتمان شکل گرفته است این دو مجموعه و بلوک قدرت براساس اصول متصلبی شکل نگرفته است هرچند برخی از اصول این دو گفتمان مشخص و شفاف است اما ماهیتی تفسیر پذیر دارند حتی برخی از این مولفه ها در عرصه عملگرایی سیاست و مصلحت اندیشی قابل تحول است. باید در نظر داشت که در گفتمان ایرانی که شکل گرفته است تمامی شهروندان و اعضای آن دارای وحدت و یکپارچگی نیستند بلکه درون خود به گروه ها و افراد مختلف قابل تقسیم هستند. می توان گفت در این معنا گفتمان جایگزین جناح سیاسی شده است با این تفاوت که تاکید بر جنبه های فکری و فرهنگی آن نقش برجسته تری دارد. سوال اصلی مقاله "طرح چه عناصری از سوی دو جناح اصولگرایی - محافظه کاری و اصلاح طلبی - اعتدالی از ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶ به چالشهای بین این دو جناح شدت بخشیده است؟" می باشد. در پاسخ به این سوال، "حاشیه رانی و برجسته سازی عناصری از حوزه های مختلف اقتصادی، سیاسی و... توسط دو جناح، موجب شدت در این چالشها شده است"، مطرح می شود.

جناحهای سیاسی

اصلاح طلبی

اصلاح طلبی جناح سیاسی است که پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ ظهور کرد. سیاست های اصلاح طلبانه در دو حوزه داخلی (در قالب ایجاد جامعه مدنی) و خارجی (در بستر تنش زدایی و همکاری های مسالمت آمیز) تعریف می شود. این جناح بعد از انتخاب سید محمد خاتمی به عنوان رئیس جمهور ایجاد شد و مفاهیمی چون جامعه مدنی، دموکراسی دینی، آزادی بیان، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و تثبیت قانون اساسی سیاست های جدیدی را مد نظر قرار داد. براساس ادعای اصلاح طلبان این مفاهیم در طول سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حاشیه قرار گرفته بودند و احتیاج به بازاندیشی داشتند. (حاضری و دیگران، ۱۳۹۰، ۱۲۳) اصلاح طلبان معتقد به توسعه فرهنگی، سیاسی و انجام اصلاحات مختلف سیاسی، اجتماعی، جوامع مدنی و احزاب بودند. (رضایی و نظری، ۱۳۹۴، ۲۰۲) بر این اساس درصدد تحقق ظرفیت های قانون اساسی به منظور تحقق هم زمان دو بنیاد اساسی انقلاب یعنی اسلامیت و جمهوریت بود. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹، ۱۰) برخی عناصر تشکیل دهنده این جناح «مردم سالاری، توسعه سیاسی، آزادی، جامعه مدنی، قانون گرایی و ولایت» می باشد.

اصولگرایی

پس از انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری و انتخاب محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری، گفتمان اصولگرایی عدالت محور در ایران شکل گرفت. بر اساس منطق زنجیره هم ارزی جناح اصولگرا نیز در چارچوب خرده گفتمان اسلام گرا تجلی پیدا کرد و به انسجام، همبستگی و نظم گفتمانی رسید. در این فضا شاهد رویارویی دو جناح اصولگرایی و اصلاح طلبی در بالاترین سطح می باشیم که در فرایند برجسته سازی و حاشیه رانی هر دو از موضع تهاجمی برخوردار بود اما گفتمان اصولگرایی فراتر از نقد رقیب اقدام به نقد ساختار قدرت نمود که یکی از مهمترین عوامل پیروزی آن بود.

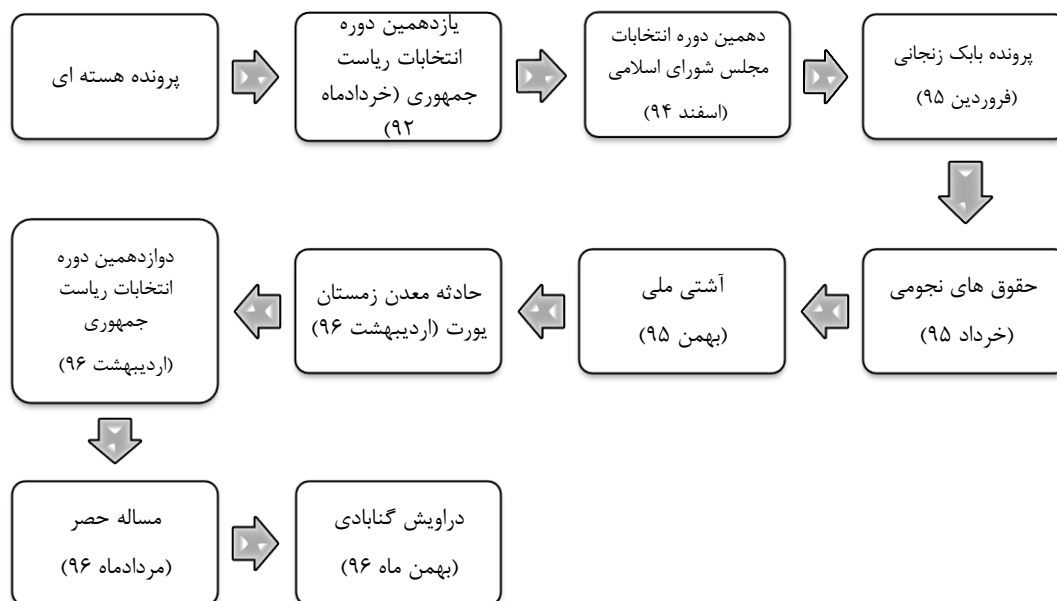
به طور کلی دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد با دغدغه های فرهنگی و مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی کار خود را شروع کرد و عدالت گستری را به عنوان محوری ترین و ابتدائی ترین اصل دولت خود معرفی کرد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶، ۱۹۷) این جناح با احیای سنتها بر پایه نص و اسلام شیعی دلهایی چون فقرزدایی، توسعه اقتصادی، تهاجم فرهنگی و عدالت را حول دال مرکزی ولایت مفصل بندی کرده است. (سلطانی، ۱۳۹۷،

۲۴۵) هر یک از جناحهای سیاسی از اهداف و چالشهای پیش رو، در نحوه استفاده از استراتژی برجسته سازی و حاشیه رانی و همچنین واسازی رقیب تاثیر مستقیم دارد. لذا با بررسی چالشهای دو گفتمان مطرح در بازه زمانی مشخص شده، حوزه های مختلف این چالشها و استراتژی به کار رفته مشخص می شود.

چالشهای دو جناح اصولگرا و اصلاح طلب

هویت یابی هر جناح سیاسی منوط به غیریت سازی است، از این روی غیریت سازی منجر به انسجام درون جناح و از عناصر ذاتی محسوب می شود. به چالش کشیدن رقیب در نهایت رسیدن به قدرت و هژمون شدن مهمترین اصل رفتاری در سیاست محسوب می شود. با قوی تر شدن رقیب گفتمان حاکم مجبور به نشان دادن خصومت بیشتری می شود و این روند شاید در نهایت به هژمونیک شدن رقیب و فروپاشی جریان حاکم بی انجامد. همچنین هر جناح در پرتو استراتژی برجسته سازی و حاشیه رانی تلاش می کند نقاط قوت خود و نقاط ضعف رقیب را برجسته سازد. این منطق منجر به تجلی قابلیت ها می شود و ظهور و بروز و در نهایت حفظ قدرت در این فرایند تجلی پیدا می کند. چنین فرایندی را می توان در تعاملات چالش برانگیز دو جناح اصولگرا و اصلاح طلب با استراتژی «برجسته سازی و حاشیه رانی» متقابل عناصری از حوزه های مختلف مشاهده نمود. باید یادآوری کنیم که این چالشها تحت تاثیر عناصر تشکیل دهنده هر جناح شکل می گیرد.

موارد چالش برانگیز دو جناح



پرونده هسته ای

از ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ برخلاف گفت‌مان اصلاح طلبی که به دنبال حاشیه رانی مساله هسته ای بود، اصولگراها درصدد برجسته سازی آن برآمدند، چرا که آن را نقطه ضعفی در رقیب قلمداد می کردند. همچنین فعالیت های هسته ای می توانست برای اصولگرایان نمادی از پیشرفت و توسعه اقتصادی در داخل و عدالت طلبی و استکبارستیزی در سیاست خارجی باشد. افزایش تحریمهای بین المللی و مشکلات اقتصادی ناشی از آن موجب شد جناح رقیب اصولگرایی، انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ را فرصت مناسبی برای به حاشیه راندن گفت‌مان هسته ای اصولگرایان قلمداد کنند.

گفت‌مان اصولگرا که تا حدودی مخالف مذاکرات هسته ای و توافق هسته ای است، در متون خود به مواردی در تاریخ کشورهای دیگر اشاره می کند که هرچا با آمریکا مذاکره و توافق شد، در نهایت چیزی جز شکست و سرخوردگی به بار نیاورد، به عنوان مثال روزنامه کیهان در یکی از مقاله هایش با عنوان «ورق خوردن تاریخ با سیب زمینی سرخ کرده» (۳۰ تیرماه کیهان) به ارتباط بین توافق هسته ای و بازگشایی رستوران «مک دونالد» در ایران پرداخته و اشاره به مواردی از این دست در کشورهایی مثل چین و شوروی سابق می کند که با بازگشایی شعبه مک دونالد در این کشورها چه بر سر مردم آنها آمد و آن وارد شدن

فرهنگ غربی به این کشورها بود و از این طریق به خواننده القاء می کند که چنین سرنوشتی منتظر ما نیز خواهد بود.

در حالی که روزنامه اصلاح طلب در رد سخنان رقیب در روزنامه «شرق» سعی داشت جلوه ای مثبت از برجام^۱ را به نمایش بگذارد و در مواردی نیز دوران تحریم را به صورت منفی به تصویر کشیده است. به عنوان مثال در جمله «روز اجرای برجام روز تاریخی است... تحریم هایی که عوارض مخرب زیادی برای ایرانیان داشته است و باز هم تاریخی چون دیپلماسی حرفه ای و گفتگو بردرگیری و رنجش پیروز شده است.» (۲۷ دی ماه، شرق) صفت منفی «مخرب» را به تحریم ها نسبت می دهد و از برجام به عنوان روز تاریخی و دیپلماسی حرفه ای یاد می کند و صفات منفی «درگیری و رنجش» را در گفتمان اصولگرا قرار می دهد. از طرفی نویسنده با کاربرد این صفات به همراه قیود تشدید باعث افزایش بار ایدئولوژیک متن می شود و سعی می کند به تخریب وجهه رقیب پردازد. لذا با وجود اینکه توافق هسته ای جزو دست آوردهای جناح اصلاح طلب به حساب می آید گفتمان اصولگرا با برجسته سازی نقاط ضعف رقیب در عدم اجرای دقیق توافقنامه (برجام)، سعی در کم اهمیت جلوه دادن دست آوردهای این توافقنامه و شکستن ثبات معنایی رقیب بر دارد.

یازدهمین و دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۹۲) جناح اصولگرا نتوانست نظام معنایی تازه ای را شکل دهد که در نهایت موجب تصلب و انسداد معنایی و ناکارآمدتر شدن مفاهیم، دلها و شعارهای اصولگرایی شد و بحران معنا و بحران هویت اصولگرایی و به حاشیه رفتن آن، زمینه فروپاشی هژمونی گفتمان اصولگرا (دولت احمدی نژاد) را مهیا کرد و زمینه برای ظهور «خرده گفتمان اعتدال» از گفتمان کلان اصلاح طلب فراهم شد. این «خرده گفتمان» با پشتیبانی جناح اصلاح طلب (در هم ارزی با این گفتمان کلان)، با مولفه هایی چون تعامل سازنده، اعتمادسازی، تنش زدایی و آشتی با جهان و ثبات اقتصادی در کشور به دنبال برجسته سازی دال های خود، یعنی اعتدال و عقلانیت بود. جناح اعتدال طی فرایند اقناع سازی افکار عمومی، در بنبوحه انتخابات چنین القاء می کرد که مسائل حوزه روابط

خارجی مانند تحریم‌ها، پرونده هسته‌ای، مذاکره با آمریکا و موارد دیگر در دولت تدبیر و امید حل خواهد شد.

یکی دیگر از عرصه‌هایی که اعتدال درصدد بود تا آن را در رقابت‌های انتخاباتی برجسته کند وضعیت بی‌ثباتی اقتصادی رقیب و سیاست‌های اقتصادی بود که موجب نارضایتی از این جناح شده بود. در همین راستا جریان اعتدال با اسطوره‌سازی خود و بحرانی‌نشان دادن وضعیت اقتصادی مردم، سعی کرد با برجسته‌سازی مفهوم «نجات اقتصادی» که به نوعی ترسیم وضعیت بد گذشته و مفهوم «تحول اقتصادی در فرصت کوتاه مدت» تصویری آرمانی از آینده‌نشان می‌دهد. «... هوا بس ناجوانمردانه سرد است و من می‌خواهم به شما جوانان عزیز بگویم، برنامه من نجات اقتصاد کشور است. اقتصاد ما امروز نیاز به نجات دارد...» (روحانی، سالن شهید افراسیابی، ۱۳۹۲/۰۳/۱۸)

در محدوده انتخابات دوازدهم (۱۳۹۶) نیز شاهد مفصل‌بندی جدید در جناح اصولگرا هستیم که در دوره قبل کمرنگ شده بودند. این مولفه‌ها مجدداً توسط اصولگرایان مفصل‌بندی شده و برای تقابل با جناح حاکم گرد آمدند که عبارتند از: غرب‌ستیزی، استکبارزدایی، تجدیدنظرطلبی و شالوده‌شکنی نظام بین‌الملل و بازتعریف «انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست». رویکرد جدید اصولگرایان در این دوره برخلاف سال‌های قبل و به دلیل عدم دستیابی جناح اصلاح طلب به انتظارات خود نسبت به نظام بین‌الملل به خصوص در مورد انرژی هسته‌ای، به دنبال ارائه یک سیاست خارجی تند و نمایشی از مولفه‌های ستیزه‌جویانه از جناح مذکور بود.

دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

چالش بر سر رد صلاحیت اکثریت نامزدهای اصلاح طلبان در انتخابات دهم برجسته‌سازی است که این جناح در این برهه بسط می‌دهد. در نتیجه کیهان متقابلاً در ۱۳۹۴/۱۱/۰۵ با تیتراژ «دروغ بزرگ! حذف اصلاح طلبان از میدان رقابت» این گونه ادعای برجسته شده «رد صلاحیت اصلاح طلبان» را کمرنگ جلوه می‌دهد:

«... مدعیان اصلاحات می‌دانند که انتخابات چه با حضور و چه بی‌حضور آنان به خوبی برگزار خواهد شد و شرکت نکردن اصلاح طلبان در انتخابات نتیجه‌ای عاید آنان نخواهد

کرد. مدعیان اصلاحات با علم به این واقعیت سیاست یک تیر و دو نشان را پی گرفته‌اند؛ نخست آن‌که مدعی شده‌اند کسی از آنان در انتخابات تأیید صلاحیت نشده و با این ادعا دست به مظلوم‌نمایی زده‌اند و دوم آن‌که در پشت پرده با نامزدهای متعددی که تأیید شده‌اند، مذاکره می‌کنند تا لیست‌های خود را تکمیل کنند و...البته اگر شکست خوردند می‌توانند بگویند، نامزدی برای رقابت نداشته‌اند!» (کیهان ۵ بهمن ۱۳۹۴)

پرونده بابک زنجانی

نام بابک زنجانی از افراد نزدیک به اصولگرایان در جریان فعالیت‌های کلان مالی مرتبط با دور زدن تحریم‌های بین‌المللی و فساد اقتصادی در دوران دولت احمدی نژاد (اصولگرا) در ۹ دی ماه ۱۳۹۲ مطرح و توسط دادستان کل ایران به عنوان متهم نفتی بازداشت شد، چالش بر سر این موضوع بین دو جناح، با گذشت کمتر از یک هفته از صحبت‌های حسن روحانی نسبت به روند طولانی رسیدگی به پرونده‌ها در قوه قضائیه در همایش «جامعه نظارت و بازرسی دولت» آغاز شد. «آیت الله صادق آملی لاریجانی» رئیس قوه قضائیه وقت در جلسه مسئولان عالی قضایی در سیزدهم دی ماه، نسبت به دولت اعتدالگرا واکنش نشان داده و انتقاداتی را در خصوص دولت و نقش وزارت امور خارجه در پرونده زنجانی مطرح کرده است:

«بابک زنجانی گفته است که میلیاردها تومان به انتخابات رئیس جمهور کمک کرده است؛ ما سخنان او را عین واقع نمی‌دانیم و ایشان حرف زیاد می‌زند و ادعا زیاد می‌کند و الا اگر می‌خواستیم رسیدگی کنیم باید همه کسانی که مرتبط بودند احضار می‌کردیم. ما نمی‌خواستیم حاشیه‌های فوق‌متن را باز کنیم و اولین کار بازگرداندن پول مردم بود؛ حالا می‌فرمایید پشت پرده‌ها را دنبال کنیم؛ حرفی نداریم؛ تمام کسانی که ایشان در همین رابطه گفته است احضار می‌کنیم و اگر لازم شد بازداشت می‌کنیم تا معلوم شود قضیه چه بوده است.» (جوان آنلاین - ۱۳/۱۰/۱۳۹۵)

لیکن از آنجایی که روند فسادهای مالی زنجانی در زمان هژمونی جناح اصولگرا افشا شد، جناح رقیب این موضوع را پاشنه آشیل اصولگراها مطرح و برجسته نمود. نمونه‌ای از برجسته‌سازی اصولگرایان درباره پرونده زنجانی به خصوص که نزدیک به انتخابات

دوازدهم نیز بود را «خبرگزاری فارس» از قول حمید رسایی، مدیر مسئول هفته نامه ۹دی و نماینده سابق مجلس نوشت:

«... دو سال قبل، در بهمن ماه بود که هفته نامه ۹دی بر اساس رسالت مطبوعاتی خود و بر اساس اطلاعاتی که به دست آورده بود، به موضوع استفاده از پول کثیف در ستاد انتخاباتی یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری اشاره کرد و از کمک پنج میلیارد تومانی بابک زنجانی به ستاد انتخاباتی بنفش خبر داد. هفته نامه ۹دی به دلیل تیزی که در این باره زده بود، توقیف شد و... پیگیری های بعدی ما نشان می دهد که هر چند بابک زنجانی پنج میلیارد به این ستاد انتخاباتی کمک مالی کرده است اما فرد واسطه ستاد بنفش، فقط دو میلیارد از این پنج میلیارد را در ایام انتخابات به حساب ستاد انتخاباتی بنفش واریز کرده بود! فقط بابک زنجانی چنین کمکی را به ستاد انتخاباتی حسن روحانی نکرده...»

روحانی در دیدار اعضای کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی گفت:

«از آغاز کار دولت، وزارت نفت شاکی و پیگیر وصول این مطالبات بوده و وزارت اطلاعات پرونده را دنبال کرده است. موضع دولت همواره این بوده است که برای تکمیل پرونده رسیدگی، باید متهم در اختیار وزارت اطلاعات قرار می گرفت.»

از سویی برخی از اعضای دولت از جمله اکبرترکان و محمدباقرنوبخت نیز به اظهارات رئیس قوه قضائیه واکنش نشان داده و از یکسو ضمن اعلام آمادگی برای ارائه ترازنامه منابع و مخارج ستاد انتخاباتی رئیس جمهور و تکذیب هرگونه کمک مالی از سوی زنجانی، بر ضرورت لزوم رسیدگی به تمامی ادعاهای وی و اعلام نتایج آن تاکید نمودند. ترکان گفت:

«... چنین اتفاقی نیفتاد. ما یک ترازنامه شفاف در ستاد داشتیم و همان موقع هم اعلام کردیم که اگر آقایان همه موافق هستند، همه کاندیداها اعلام کنند که از چه کسانی پول گرفتند و کجا خرج کردند.» (جماران ۱۴/۱۰/۱۳۹۵)

حقوق های نجومی

با انتشار حقوق ۲۳۴ میلیونی یک مدیر بانکی در شماره ۱۹ خرداد ماه ۱۳۹۵ روزنامه کیهان، موضوع فیش های نجومی مطرح و چالش دیگری بین دو جناح سیاسی شکل گرفت. روزنامه اصولگرای کیهان به دنبال برجسته سازی این عنصر چالش برانگیز بود و اصلاح

طلبان به دنبال در حاشیه قرارداد آن. کیهان جهت برجسته سازی و بسط عملکرد منفی اصلاح طلبان بر این نکته تاکید شده بود که:

«پیش از این و در مورد انتشار فیش‌های مدیران بیمه، دولت یازدهم تمام توان خود را برای توجیه و سرپوش نهادن بر آن به کار گرفت و به جای عذرخواهی و اصلاح این رویه غلط، طلبکارانه با رسانه‌ها و مردم برخورد کرد. این بار روزنامه کیهان یکی دیگر از اسنادی که در مورد حقوق‌های نجومی مدیران دولت اول روحانی در اختیار دارد را منتشر می‌کند. این گزارش اشاره کرده بود که «اکثر مردم در حالی با مشکلات عدیده معیشتی دست و پنجه نرم می‌کنند که طبق اسناد کیهان، یک مدیر بانکی در مهر و اسفند سال گذشته به ترتیب بیش از ۱۵۱ و ۲۳۴ میلیون تومان دریافتی داشته است» (کیهان، ۱۹ خرداد ۱۳۹۵)

در این چالش اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری وقت، ضمن تاکید بر برخورد با حقوق‌های بالا و تفسیر این چالش به نفع اصلاح طلبان، گفت: «این رویه به دولت محمود احمدی نژاد بر می‌گردد...» (ایسنا ۱۳۹۵/۰۴/۳)

از سویی اصولگرایان برجسته سازی حقوق‌های نجومی را به ناکارآمدی گفتمان اعتدال ربط دادند و نمونه‌های آن را می‌توان در رسانه‌های منسوب به این جناح دید.

پلاسکو

آتش سوزی ساختمان پلاسکو ۳۰ دی ماه ۱۳۹۵ رخ داد. رسانه‌های اصولگرا، از همان زمان اعلام حادثه علاوه بر پوشش کامل و بازتاب گسترده اخبار مربوط به حضور نیروهای امدادی و آتش نشان و امیدواری برای دسترسی هرچه زودتر به پیکرهای افراد محبوس زیر آوار، پلاسکو را مورد بازتاب خبری قرار دادند. واژه‌های پرکاربرد در این رسانه‌ها را می‌توان "لزوم جدیت در برخورد از سوی شهرداری تهران، فقدان مدیریت بحران، ضرورت توجه به ایمن سازی بافت‌های فرسوده در کلان شهرهای بزرگ و فقدان سواد رسانه‌ای" نام برد. از سویی «مشرق» رسانه منتسب به این جناح، در پاسخ به مواردی که توسط رقیب برجسته می‌شود با عنوان «چرایی سواستفاده سیاسی اصلاح طلبان از پلاسکو» در ۱۸ بهمن ماه ۱۳۹۵ می‌نویسد:

«... رسانه‌های جریان اصلاحات با سیاسی کردن فضای حادثه دلخراش پلاسکو سعی کردند ماهی‌گیری سیاسی خود را از این آب گل‌آلود با گلایه از شهرداری تهران انجام دهند.

از همان ابتدا توپخانه خود را به سوی شهردار تهران نشانه رفتند و سعی کردند با سیاسی کردن ماجرا، وی را مورد شماتت و هجمه قرار دهند؛ سرخط ماجرا توسط آقای حسام‌الدین آشنا مشاور جنجالی رییس‌جمهور روحانی کلید خورد. او در همان لحظات اولیه بحران در ساختمان پلاسکو توییتی منتشر کرد و در آن نوشت: «کارکرد اصلی حوادث واقعی جابه‌جا کردن اولویت‌بندی‌های ساختگی است. سیاست‌گذاری‌های شهری باید تابع ضرورت‌ها باشد نه منافع حامیان و آمران و مباشران!»

«افکار نیوز» نیز با برجسته سازی انتخابات پیش روی ریاست جمهوری سعی می‌کند حادثه پلاسکو را به بازی سیاسی اصلاح طلبان تعبیر کند:

«... هم سویی اصلاح طلبان با رسانه های معاند مساله تازه ای نیست، هرگاه اتفافی در کشور رخ می دهد برخی ها در کشور خط رسانه هایی همچون صدای آمریکا و بی بی سی را در داخل دنبال می کنند و می خواهند از آب گل آلود ماهی بگیرند. اصلاح طلبان در حال فشار آوردن به قالیباف هستند اما نه به این دلیل که وی شهردار تهران است بلکه احتمال می دهند او رقیب روحانی در انتخابات باشد و از سوی دیگر به مسجد جامعی فشار آورده اند که از شورا استعفا ندهد تا با استیضاح قالیباف، برای تهران شهردار انتخاب کنند. حادثه تلخ پلاسکو نشان می دهد برخی اصلاح طلبان تنها به فکر سیاسی بازی هستند در حالی همه مردم نگران آتش نشان ها هستند، اصلاح طلبان به دنبال منافع خود می گردند». (افکار نیوز ۱۳۹۵/۱۱/۰۳)

آشتی ملی

آشتی ملی نام طرحی از سوی محمد خاتمی بود که ۱۹ بهمن ۱۳۹۵ طی سخنانی در دفتر کارش، ضمن اشاره به تهدیدهای دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا علیه ایران و هم‌رایی حزب جمهوریخواه، پیشنهاد این طرح را داد. خاتمی گفت: «اکنون بهترین موقعیتی است که می توان فضای آشتی ملی را در کشور حکم فرما کرد.» به گفته وی «تهدیدهای خارجی» بهترین فرصت برای آشتی ملی را فراهم کرده است.

حسن روحانی نیز در سخنرانی ۲۲ بهمن ماه گفت: «همه در پی اجماع، آشتی و انسجام ملی هستیم.» این سخنان مورد استقبال بسیاری از شخصیت های اصلاح طلب قرار گرفت.

(ایرنا ۱۳۹۵/۱۱/۲۳) اما واکنش اصولگرایان چالش دیگری را بین این دو جناح ایجاد کرد.
«محمد نبی حبیبی» دبیرکل حزب موتلفه گفت:

«آنچه تحت عنوان آشتی ملی مطرح می شود این است که چهره یک "اغتشاش گر" و "محارب" را تبدیل به یک "مصلح طلبکار" کنند.» (خبرگزاری ایرنا- ۱۳۹۵/۱۱/۲۳)
و کیهان نیز نوشت:

«این احتمال نیز وجود دارد و احتمالی قوی نیز هست که طرح «آشتی ملی» را با هدف حاشیه‌سازی و سرگرم کردن مردم به میدان آورده‌اند تا از این طریق روی ناکامی‌های پی‌درپی و وعده‌های بر زمین مانده دولت که متأسفانه برخی از اصحاب اغتشاشگر در آن نقش موثری داشته‌اند، سرپوش بگذارند.» (۱۳۹۵/۱۱/۲۳)

۱-۱- حادثه معدن زمستان یورت

طی انفجاری در معدن زغال سنگ یورت آزادشهر که ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶ رخ داد ۴۳ معدنچی جان باختند. حسن روحانی، رئیس جمهور روز ۱۷ اردیبهشت ماه به محل حادثه در آزادشهر رفت و در جمع معدن کاران و خانواده های آنان سخنرانی کرد و به شکایت های آنان گوش کرد. برخی خبرگزاری های اصولگرا همچون تسنیم و فارس به انتشار ویدئوها و تصاویری پرداختند که نشانگر ازدحام شدید جمعیت در اطراف خودروی روحانی بود. در صفحه هایی از این ویدئوها دیده می شود که تعدادی از میان جمعیت با مشت به خودروی حامل رئیس جمهور می کوبند.

خبرگزاری تسنیم در واکنش نوشت:

«خانواده های داغدار معدن یورت آزادشهر و معدنچیان به جای سخنرانی زیبا و دادن وعده انتظار داشتند رئیس جمهور حرفهایش را بشنود و با استقبال سرد خود سبب شدند روحانی به سرعت محل را ترک کند.» (ایسنا ۱۳۹۶/۰۲/۱۷)

روزنامه اعتماد، سفر روحانی به محل معدن آزادشهر را به عنوان برگی برنده برای مخالفان دولت می داند.

«مردم تصاویر و فیلم ها را دیدند و از شکست فاصله میان مردم و دولت که با یک اعتراض خاموش امن همراه بوده است خوشحال شدند.»

به گزارش همین روزنامه، عباس عبدی تحلیلگر سیاسی اصلاح طلب پیشنهاد می دهد که این روز در تاریخ سیاست ایران ثبت شود، زیرا در این روز سیاست از مفهوم سنتی و اقتدارگرایانه اش عبور کرده و وارد عرصه مدرن و دموکراتیک می شود.

قائم مقام حزب اعتماد ملی، «حجت الاسلام منتجب نیا» نیز به دنبال برجسته سازی سفر رئیس جمهور و ارتباط این سفر با انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ در جشن حامیان روحانی که از سوی اتحادیه انجمن های اسلامی استان گلستان در گرگان برگزار شد با تسلیت به خانواده جان باختگان معدن زمستان یورت گفت:

«عده ای از این حادثه دلخراش و حضور رییس جمهوری در جمع کارگران سوء استفاده کردند ولی خانواده جان باختگان اجازه ادامه آن را ندادند و حتی به دکتر روحانی رای دادند. (ایرنا، عده ای از حادثه معدن آزادشهر سواستفاده انتخاباتی کردند، ۰۴/۰۳/۱۳۹۶)

اصولگرایان نه تنها از سازوکارهای ناکارآمدی برای مقابله با اصلاح طلبان در این چالش پیش آمده بهره بردند، بلکه در این حادثه با وقوفی که به یاس عمومی معدن کاران از عملکرد مسئولین داشتند، با برجسته کردن مشکلات این قشر از قبیل فقر، بیکاری، محرومیت، ضعف مدیریت دولتی در احقاق حقوق کارگران و غیره در تلاش بودند محبوبیت عمومی رئیس جمهور را به حداقل برسانند و تلاش شده است که اصلاح طلبان را جدای از «مردم» نشان دهد.

۲-۱- حصر

حصر خانگی میرحسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد از اوایل اسفند ۱۳۸۹ آغاز شد. با آغاز به کار حسن روحانی در سمت ریاست جمهوری دولت یازدهم (۱۳۹۲) امیدواری جهت رفع حصر این گروه ۳ نفره افزایش یافت. روحانی در سخنرانی های خود پیش از انتخابات به آزادی زندانیان سیاسی من جمله رفع حصر این گروه وعده داده بود. این اعلام موضع با حمایت سید محمد خاتمی (پایگاه خبری تحلیلی خرداد ۱۶/۰۸/۱۳۹۲) و محمدرضا عارف (پایگاه خبری پارسینه ۲۰/۰۸/۱۳۹۲) روبرو شده بود که ابراز امیدواری کردند. اما به دلیل وضعیت جسمی و بحث اعتصاب غذای مهدی کروبی موضوع رفع حصر

پیش از پیش پررنگ شد و عملاً به موضوعی قابل توجه و پر بازنشر بالاخص در رسانه‌ها مبدل شده است که در این میان حتی بسیاری از چهره‌های سیاسی از جمله برخی از نمایندگان مجلس اصلاح طلب و اصولگرا به مسئله فوق واکنش نشان داده‌اند. به نحوی که حتی در مطالبات گفتمان اصلاح طلب عنوان می‌شود که مهمترین ماموریت دولت یازدهم پس از مذاکره خارجی و حصول توافق، مذاکره داخلی و حصول رفع حصر است. همچنین از سوی دیگر ادله‌ای که برخی از مدافعان و مخالفان حصر بدان اشاره می‌کنند در نوع خود جالب توجه می‌نماید. در این میان مدافعان حصر بر این اعتقادند که حصر مهمترین گزینه موجود است و رفع حصر به مصلحت نیست. گفته‌ای که البته خلاف نظر مخالفان حصر است. آنها از سویی حصر را بدون تشکیل دادگاه غیرقانونی می‌دانند و خواستار تشکیل دادگاه هستند و از سوی دیگر تداوم روند حصر را هزینه‌ای برای نظام بر می‌شمارند.

برخی از سایت‌های داخلی به ویژه رسانه‌های منتسب به اصولگرایی عمدتاً به بازتاب اظهارات شخصیت‌ها و مقاماتی که به هر نحوی با موضوع رفع حصر مخالفت نموده‌اند، اقبال نشان داده و در این بین گزارشات و مقالاتی را که محتوای آنها نیز بیشتر به عناوینی همچون «حصری قانده!»، «کلاه بزرگی به نام حصر»، «اولویت مردم اقتصاد نیست رفع حصر است» و یا «کمیتة رفع حصر راهی که اشتباه طی می‌شود» اختصاص داشته است را برجسته کرده‌اند. از سوی دیگر اما برخی رسانه‌های اصلاح طلب بیشتر به بازتاب اظهارات چهره‌ها و شخصیت‌هایی از جمله علی مطهری و محمدرضا عارف و یا کسانی که عمدتاً بر ضرورت موضوع رفع حصر تاکید داشته‌اند، پرداخته‌اند.

۳-۱- درویش گنابادی

سی ام بهمن ۱۳۹۶ در واکنش به بازداشت یکی از درویش از سوی نیروی انتظامی مقابل کلانتری ۱۰۲ تجمع کرده و ضمن بستن خیابان پاسداران، خواستار آزادی بی قید و شرط او شدند. ادامه بازداشت این درویش، در نهایت به درگیری میان آنها و نیروی انتظامی مقابل کلانتری منجر شد که طی آن، برخی از درویش به چوب و چماق و آجر متوسل

شدند که شلیک تیر هوایی از سوی نیروی انتظامی را نیز به دنبال داشت. این درگیری در نهایت به خیابان هفتم، یعنی مکان اصلی تجمع دراویش کشیده شد.

نمود چالش برانگیز بین دو جناح در رابطه با این موضوع را می توان در واکنش روزنامه ها ملاحظه نمود. روزنامه اصولگرای مشرق واکنش رقیب را اینگونه تیترو می زند: «سانسور جنایت دراویش در روزنامه های اصلاح طلب/اعتراض روزنامه حامی دولت به تفرعن آخوندی» و در ادامه می نویسد:

«آن تعداد روزنامه اصلاح طلب که در صفحه اول به رفتارهای وحشیانه دراویش واکنش نشان دادند، سعی کردند که موضوع را صرفاً یک درگیری دوطرفه میان دراویش و نیروی انتظامی جلوه دهند. اکثریت مطلق روزنامه های اصلاح طلب به این رفتار وحشیانه اشاره نکردند. آن تعداد بسیار محدود هم که در صفحه اول واکنش نشان دادند، سعی کردند که موضوع را صرفاً یک درگیری دوطرفه میان دراویش و نیروی انتظامی معرفی کنند. برای نمونه، روزنامه ابتکار در صفحه اول و در مطلبی با عنوان «آتش در گلستان هفتم» نوشت: «این روزنامه اصلاح طلب با سانسور رفتار وحشیانه اراذل و اوباش در پوشش دراویش، این اتفاق را صرفاً یک درگیری دوطرفه میان دراویش و نیروی انتظامی معرفی کرده و از به کار بردن عنوان «شهید» و «شهادت» نیز امتناع کرده است». (مشرق ۱۳۹۶/۱۲/۰۲)

و روزنامه مزبور در ۱۳۹۶/۱۲/۰۷ خبری نیز با تیترو «ماله کشی اصلاح طلبان بر جنایت دراویش» دارد.

در مقابل روزنامه آرمان از قول اسماعیل گرامی مقدم عضو حزب منحل اعتماد ملی داریم که نوشت:

«حقیقتاً باید گفت که در این ۴۰ سال، از این جمعیت اغلب چیزی جز صبر و خویشنداری دیده نشده است. دراویش همواره در جامعه ایران با وجهه اهل لطف و کرم دیده شده اند. از این رو دستگاه های امنیتی باید تمام عوامل را بررسی کنند تا آشوبگران شناسایی شوند. از جانب دیگر بهتر است مطالبات و انتظارات اقشار مختلف مردم را شنید و آن را بررسی کرد تا حق هیچ شهروندی ضایع نشود. باید در نظر داشت تا زمانی که ابعاد چنین ماجراهایی به دقت روشن نشده، نمی توان کسی را متهم به ایجاد اغتشاش کرد...».

روزنامه مشرق در پاسخ به این صحبت اصلاح طلبان معتقد است: «... موضع گرامی مقدم نیز مانند مواضع برخی افراد مشابه دیگر نشان می‌دهد در ارایش داعشی از طرف برخی افراطیون فتنه‌گر تحریک شده و مورد پشتیبانی قرار گرفته‌اند و گرنه به تنهایی جرات چنین جنایتی را نداشتند.» (مشرق ۱۳۹۶/۱۲/۰۷)

نتیجه گیری

نتیجه تحقیق نشان داد دو جناح اصولگرا و اصلاح طلب در رقابت با یکدیگر، طبق اصول تعریف شده خود در حوزه های سیاسی، اقتصادی و... و نیز عرصه های داخلی و بین المللی (از پرونده هسته ای تا پلاسکو و...) با استفاده از استراتژی برجسته سازی و حاشیه رانی سعی در ساختار شکنی رقیب داشتند. این دو جناح توانستند با استراتژی برجسته سازی و حاشیه رانی به تخریب رقیب پرداخته و در غیریت سازی با آن بسیاری از نابرابری های موجود را در حوزه اقتدار خود طبیعی جلوه دهند و در جهت جلب رضایت و پذیرش کسانی عمل کنند که قدرت بر آنان اعمال می شود. با نگاهی به چالشهای بین دو جناح این امر به ذهن متبادر می شود که این دو، کمتر اندیشه گفتگو با یکدیگر را در سر می پروراند. چرا که واکنش هر دو به چالشها، سرشار از نفی دیگری و برچسب زدن است، از سویی بهتر است بدانیم رقابت میان گفتمانها و جناحهای سیاسی، امری ضروری برای باقی ماندن در شرایط امروز جهان و لازمه حفظ یک جامعه است و این تعامل تنها هنگامی امکان پذیر است که متون تولید شده و تصویر ساخته شده از دیگری، مانع این تعامل نشود. زیرا خشونت های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و دیگر عوامل فرساینده که جناحهای سیاسی مطرح یک جامعه از یکدیگر ارائه می دهند امکان خشونت ها و درگیری ها را افزایش داده و از میزان امید و اعتماد اجتماعی می کاهد. به نظر می رسد جناح های سیاسی مطرح بهتر است به عنصر «کارآمدی» توجه بیشتری داشته باشند چرا که نقطه تعیین کننده این گونه جناحها در هژمونی است و در صورت تحقق می تواند باعث باز تولید جناح ها شود و در غیر این صورت مهر ختامی بر هژمونی آنها باشد. لذا شایسته است رقابت جناحهای سیاسی که با هدف کسب ارکان حکومت می باشد در راستای تلاش برای اصلاح امور کشور و حمایت از تنش زدایی و تعامل، به منظور رونق اقتصادی و کاهش درد و رنج مردم باشد.

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۹). «نقد و ارزیابی گفتمان های اجتماعی- سیاسی در جمهوری اسلامی»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- بشیریه، حسین (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ چهارم
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۵). «روش شناسی علوم سیاسی»، قم: دانشگاه مفید
- حسینی زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۶). «اسلام سیاسی در ایران» قم: دانشگاه مفید
- حاضری، علی محمد، ایران نژاد، ابراهیم و مهرآیین، مصطفی (۱۳۹۰). «گفتمان اصلاح طلبی اسلامی در ایران پس از انقلاب»، دانشنامه علوم اجتماعی، شماره ۱: دوره ۳
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶). «گفتمان اصولگرایی عدالت محور در سیاست خارجی دولت احمدی نژاد»، دوفصلنامه دانش سیاسی، شماره ۵: صص ۹۸-۶۷
- رضایی، حسن و نظری، بهزاد (۱۳۹۴). «مشارکت سیاسی در گفتمانهای اصولگرایی و اصلاح طلبی»، فصلنامه مطالعات افکار عمومی، شماره ۱۳: سال چهارم
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۹۷). «قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران»، تهران: نشرنی
- کسرابی، محمد سالار، پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸). «نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده های سیاسی»، فصلنامه سیاست، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، شماره ۳: دوره ۳۹
- ون دایک، تئون ای؛ مطالعاتی در تحلیل گفتمان، تژا میرفرخایی و دیگران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۲، چاپ اول
- هوارث، دیوید، نظریه گفتمان، ۱۳۷۷، ترجمه سید علی اصغرسلطانی، علوم سیاسی، سال اول، شماره ۲

منابع اینترنتی

سیدحسین مرعشی، اعتماد آنلاین (۱۳۹۸/۰۳/۰۸) اصولگرایان تا پایان تاریخ باید جواب کار بابک زنجانی را بدهند. برگرفته از:

<http://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail>

مشرق نیوز (۱۳۹۶/۱۲/۰۷) ماله‌کشی اصلاح‌طلبان بر جنایت دراویش. برگرفته از:

www.mashreghnews.ir/news

خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۶/۰۲/۱۷) همه معدنچیان امروز خبرنگار بودند/ صدای اعتراض کارگران معدن آزادشهر جهانی شد/ بی‌روح‌ترین استقبال از رئیس دولت یازدهم. برگرفته از:

www.tasnimnews.com/fa/news/1400834

مشرق نیوز (۱۳۹۵/۱۱/۱۸) چرایی سواستفاده سیاسی اصلاح‌طلبان از پلاسکو. برگرفته از:

www.mashreghnews.ir/news/687723

روحانی، حسن. ایرنا (۱۳۹۵/۱۱/۲۳) لزوم اجماع و آشتی ملی؛ مهمترین توصیه روحانی در ۲۲ بهمن. برگرفته از:

www.irna.ir/news/8242571